

## تأثیر تفکر نظم نوین جهانی بر شکنندگی صلح تا عقلانیت جنگ

مریم وریج کاظمی<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> دانش آموخته دکترا جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)

### چکیده

تحولات عمده در رویه حاکمیت و مشروعیت واحدهای سیاسی که در نتیجه ظهور انقلاب صنعتی فرصت بروز پیدا کرد و با عصر ارتباطات و فن آوری های نوین در حوزه رسانه های سمعی و بصری توأم شده بود، فرمول بازی را از شکل وابستگی به فرایندهای داخلی قدرت محلی-بومی به سوی هژمون خواهی جهانی به نفع سیاست محض قدرتهای صنعتی کشاند. این پروسه که منعکس کننده توصیف متفاوت و جدیدی از ماهیت استعمار کهن که بر غلبه تمدن صنعتی بر تمدن انسانی یا تمدن مسیحیت بر غیر مسیحیت تاکید دارد تحت عنوان نظم نوین جهانی مورد ارزیابی قرار گرفت. در این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که آیا سیستم نظم نوین جهانی آنطوری که طراحان آن استدلال میکنند استانداردهای لازم و ضمانت های موثر برای تبدیل شدن به یک مسئله هویتی نظام مند جهت برقراری صلح جامع و پایدار میان گروههای مختلف انسانی را داراست؟. بر این اساس نتیجه گیری میشود که اگرچه تعامل بر سر برقراری نظم نوین جهانی در سطح بین الملل در برهه زمانی کوتاه مدتی همچنین در مناطق جغرافیایی خاص، توانست دستاوردهای تاکتیکی موقتی برای تثبیت صلح و ثبات به همراه داشته باشد اما در کلیت، موجب برهم زدن تعادل قوا و فعال سازی جنبش های نژادپرستی، گروههای جدای طلبانه و سازمانهای افراط گرایی ملی-مذهبی شد و عملاً همکاری میان قدرتهای منطقه ای و جهانی را به سمت جنگ و خشونت های سازمان یافته متمایل می سازد.

**واژه های کلیدی:** نظم نوین جهانی، جنگ، صلح، ارتباطات، انقلاب صنعتی.